

**آیا در چین مدیران مستقل میتوانند کیفیت کنترل داخلی را بهبود بخشند؟**

**چکیده**

این مطالعه قدرت نظارت مدیران مستقل (IDS) را بعنوان ترکیبی از تخصص متخصص و یا شایستگی، انگیزه، قدرت حفظ تعادل و سعی و کوشش مفهومی سازی میکند. پس از آن به صورت تجربی بررسی تاثیر قدرت نظارت ID بر کیفیت کنترل داخلی (ICQ)، را بررسی میکند که توسط افشای داوطلبانه گزارش حسابرسان درمورد کنترل داخلی و بیانیه های مالی منتشر شده توسط شرکتهای سهم A چینی در طول 2006-2010 پروکسی خواهد شد. ما می بینیم که شاخص قدرت نظارت ID ترکیبی دارای اثر مثبت و معنادار بر ICQ است، که برای پروکسی های مختلف برای ICQ قوی است، و اجزای آن نیز بطور مثبت و معنادار با هم و یا (در اکثر موارد) هر دو اقدامات ICQ مرتبط است. در مجموع، شواهد ما نشان می دهد که قدرت نظارت ID ها، نقش مثبتی در بهبود ICQ در چین بازی می کند.

**کلمات کلیدی**: حاکمیت شرکتی؛ مدیران مستقل؛ کیفیت کنترل داخلی؛ گزارش حسابرسان در مورد کنترل داخلی؛ بازگویی مالی

**1. مقدمه**

از زمان افشای رسوایی بزرگ شرکت های بزرگ مانند موارد موثر بر انرون و ورلدکام، تنظیم کننده های اوراق بهادار در بسیاری از کشورها توجه دقیقی به چگونگی ایجاد یک سیستم کنترل داخلی موثر کرده اند. به عنوان مثال، در جولای 2002، کنگره آمریکا قانون آکسلی ساربنز (SOX) را تصویب کرد. بخش 404 از قانون مدیریت شرکتهای دولتی را ملزم به ارزیابی اثربخشی کنترل داخلی خود و روش های گزارشگری مالی و ارائه گزارش حسابرسان در اثربخشی کنترل داخلی کرده است. فراوانی شواهد تجربی نشان می دهد که کنترل داخلی مؤثر می تواند کیفیت گزارشگری مالی را ارتقاء دهد

در راستای این روند بین المللی اخیر، تنظیم کننده های چینی ایجاد سیستم های کنترل داخلی در شرکت های عمومی را تسریع بخشیدند. آنها یک سری از قوانین و مقررات را از سال 2006 صادر کرده اند. همراه با صدور این مقررات و در دسترس بودن اطلاعات مربوط، محققان در چین به طور فزاینده ای در عوامل موثر بر اثربخشی کنترل داخلی علاقه مند شدند.

یک رشته از متون کنترل داخلی به بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر کیفیت کنترل داخلی (ICQ) می پردازد. ( برای مثال، Bronson, Carcello, and Raghunanhan 2006; Doyle, Ge, and McVay 2007; Fang, Sun, and Jin 2009; Goh 2009; Owusu-Ansah and Ganguli 2010; Johnstone, Li, and Purley 2011). حاکمیت شرکتی مؤلفه ی اصلی محیط کنترل است، پایه و اساس کنترل داخلی است. با این حال، ادبیات بر نقش مدیران مستقل (IDS) در هیئت نظارت بر مدیران (BoDs) و کمیته حسابرسی (به عنوان مثال کریشنان 2005) تمرکز دارد؛ ژانگ، ژو، و ژو 2007)، از نسبت شناسه در هیئت ها و کمیته حسابرسی برای اندازه گیری استقلال خود استفاده کردند. مطالعات قبلی نشان داده است که ویژگی هایی غیر از مدارک شناسایی، مانند پس زمینه های آموزشی، تجربه کاری، سعی و کوشش و شهرت، نقش مهمی در عملکرد شرکت های در چین دارند (به عنوان مثال تنگ، دو، و شن 2010؛ و همکاران 2011). با این حال، هیچ مطالعه ای این مسئله را آزمایش نکرده است که که آیا این ویژگی بر ICQ هم تاثیر می گذارد. این مطالعه نشان دهنده اولین گام به سوی رسیدگی به این مسئله است.

در کشورهای غربی مانند انگلستان، که در آن کنترل شرکت های بزرگ و سرمایه گذاران نهادی باعث ایجاد تابع نظارت قوی تر می گردد، شناسه ها در انجام وظایف نظارت تاثیر کمتری دارند(Guest 2009). در مقابل، در چین، مکانیسم های کنترل خارجی (برای مثال حفاظت از سرمایه گذار، قانون و اجرای قانون، حسابرسان خارجی) ضعیف در نظر گرفته می شوند (لی و همکاران 2012). در نتیجه، مکانیسم های داخلی به خصوص برای حاکمیت موثر شرکت های بزرگ حائز اهمیت هستند. شناسه شامل مکانیزم داخلی می شود. طبق قانون شرکت در چین، یک شرکت نیاز به هر دو ی BOD و هیئت ناظران دارد. وظیفه ی اصلی هیئت مدیره ی ناظران بررسی گزارش مالی شرکت می باشد؛ با این حال، هیئت ناظران در چین تا حد زیادی بی تاثیر هستند (شیائو، Dahya، و لین 2004؛ وو و همکاران 2013)، که به افزایش می دهد انتظارات از نقش ID ها در حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی است.

برخی از مطالعات اخیر شواهدی مبنی بر تاثیر شناسه در چین فراهم می آورد. به عنوان مثال، شناسه برای افزایش کارایی بانک و کیفیت دارایی ها (لیانگ، خو، و Jiraporn 2013)، افزایش دقت پیش بینی های مدیریتی (آهنگ، جی، و لی 2013)، انجام وظایف نظارت بر هیئت مدیره اجرایی و مدیریت ارشد ( بو، تائو، و Sun 2013) و حفاظت از منافع سرمایه گذاران خارج (تنگ، رقیق، و هو 2013) مورد استفاده قرار می گیرد. با این حال، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد که آنها بی اثر هستند. به عنوان مثال، لیو و لو (2004) اثبات می کنند که شناسه رای دادن در برابر دوستان مدیر اجرایی خود را در فرهنگ guanxi در چین را دشوار می سازد. وجود رسوایی های شایع بسیار شرکت این مشاهدات (چن، هو، و شیائو 2010) را تائید می کند. با توجه به شواهد مختلط، دامنه ای برای بررسی اثربخشی شناسه در حاکمیت شرکتی وجود دارد. این مطالعه، مطالعات قبلی شناسه را به موضوع مهم ICQ بسط می دهد.

واضح است که بسیاری از شناسه های لیست شده در شرکت های ذکر شده چینی دانشگاهیان هستند و صاحب صنعت و کسب و کار خاص و یا متخصص دانش نیستندکه برای انجام وظایف حاکمیت شرکتی آنها ضروری است (لی و همکاران 2012). به عنوان مثال، در مورد Zhenzhou Baiwen بدنام، استاد انگلیسی دانشگاه که وظایف ID خود را انجام نداد و 100.000 یوان جریمه شد. استاد اقرار کرد که هیچ دانش کسب و کار، و مخصوصا دانش حسابداری نداشته است (چن، هو، و شیائو 2010). آیا چنین دانشی از عوامل مهم مؤثر به حساب می آید بر نقشی که ID در کنترل داخلی بازی می کند؟ ما این مسئله را با بررسی رابطه بین پس زمینه مالی از شناسه و ICQ ذکر می کنیم. در همین حال، مشاهده می کنیم که اگر چه ممکن است شناسه از شرکتی که در آنها کار کرده غرامت دریافت کنند، که خسارت تا حد زیادی متفاوت است، اعم از 2000 تا 780000 یوان در هر سال در سال 2006. علاوه بر این، کمترین پرداخت شناسه بطور قابل توجهی مربوط به حضور کم در جلسات مربوط بود. این نشان می دهد که شناسه کم پرداخت ممکن است انگیزه برای تحقق نقش نظارتی خود را از دست بدهند. ما در مورد این که آیا و تا چه حد شناسه برای جبران انگیزه برای نقش آنها موثر است، تحقیق می کنیم.

تاریخ انتصاب شناسه در شرکت های چینی نسبتا کوتاه است. اوراق بهادار چین کمیسیون تنظیم مقررات (CSRC) یک، راهنمای جامع رسمی در شناسه از شرکت های داخلی ذکر شده تا سال 2001 تصویب نشده است. مقررات تصریح شده است که هیئت مدیره باید حداقل دو شناسه تا 30 ژوئن سال 2002، و حداقل یک سوم از اعضای هیئت مدیره باید تا 30 ژوئن 2003 دارای شناسه باشند. یکی از عوارض جانبی این شرط اجباری است که شرکت های ذکر شده ممکن است به سادگی شناسه مطابق با مقررات (چن و آل Najja 2012) منصوب کند. به عنوان یکی از اقدامات اخیر، شناسه نیز به یک فرایند یادگیری است، اما لازم است که به ارائه شواهد تجربی در مورد اینکه آیا افزایش سهم شناسه در هیئت مدیره می تواند به افزایش تعادل ICQ فراهم می کند.

مقررات حاکمیت شرکتی نیاز به شناسه برای انجام وظایف خود دارد. مواردی وجود دارد که در آن ها شناسه با شکست مواجه شده است به انجام این کار، چنانکه در مورد Zhenzhou Baiwen مذکور به همین صورت است. داده های نمونه ما حاکی از این است که اگر چه شناسه از برخی از اعضای هیئت مدیره در تمامی جلسات حضور داشتند، سایرین تنها در یک سوم جلسات حضور داشتند. آیا با استفاده از شناسه می توانند وظایف خود را انجام دهند؟ برای پاسخ به این سوال، ما رابطه سعی و کوشش و ICQ را بررسی می کنیم.

این مشاهدات برخی از ویژگی های جالب از شناسه در شرکت های ذکر شده چینی را برجسته می کند. این ویژگی ها و انتظارات بالا از نقش ID در حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی آن را برای مطالعه مهم و جالب ساخته است این که آیا شناسه واقعا موثر است و می تواند نقش مورد انتظار خود را در حفظ و بهبود ICQ را انجام دهد. علاوه بر این، این ویژگی هر دو مربوط به قدرت و نظارت شناسه می شود. بنابراین، ما شاخص قدرت نظارتی برای شناسه، از چهار بعد ایجاد کردیم: تخصص مالی شناسه، انگیزه، حفظ تعادل قدرت و سعی و کوشش.

مطالعه ما به بررسی تجربی تأثیر قدرت نظارت شناسه 'در ICQ می پردازد، چنان که سهم شرکت A- چین مربوط می شود. ما از افشای داوطلبانه ی گزارش حسابرسان کنترل داخلی و ارائه مجدد مالی صادر شده در طول 2006-2010 جهت پروکسی ICQ استفاده می کنیم. ابتدا، رابطه بین شاخص مرکب از قدرت نظارت شناسه و ICQ را بررسی کرده و متوجه شدیم که شاخص قدرت نظارت با ICQ رابطه ای مثبت و معنا دار دارد. پس از آن به طور جداگانه به بررسی اثر چهار بعد از شاخص قدرت نظارت بر ICQ می پردازیم و می فهمیم که آنها مربوط به یک یا (در اکثر موارد) هر دو پراکسی از ICQ می شوند. در مجموع، این مطالعه شواهد تجربی برای نقش مثبت از قدرت نظارت شناسه در بهبود ICQ را فراهم می کند.

این مقاله به چهار روش مکتوب می شود. نخست، اکثر مطالعات از نسبت شناسه و کارشناسان مالی در یک کمیته هیئت مدیره و یا حسابرسی به عنوان اقدامات از قدرت نظارت شناسه استفاده می کنند (مانند کریشنان 2005؛ ژانگ، ژو، و ژو 2007؛ نیش، سان، و جین 2009؛ گو 2009؛ Hoitash، Hoitash و Bedard 2009؛ جانستون، لی، و Purley را 2011). در این مقاله یافته های این مطالعات را با ساخت و آزمایش تجربی چارچوب مفهومی از قدرت نظارت شناسه، متشکل از چهار بعد مذکور را بسط و گسترش می دهد. چهار بعدبا یگدیگر تعامل داشته و برای تشکیل قدرت نظارت شناسه ترکیب شده اند. ما می توانیم درک کاملی از این موضوع که آیا شناسه می تواند نقش نظارت خود به طور موثر بازی کند اگر ما تنها یک یا برخی از این ابعاد را در نظر بگیریم، داشته باشیم. مطالعه ما نشان دهنده ی یک قدم به سوی تدوین یک چارچوب چند بعدی و در نتیجه غنی ادبیات نظری در مورد نقش ID ها در کنترل داخلی و حاکمیت شرکتی است.

دوما، این مقاله راه های متعددی را معرفی می کند که در آن نقشهای شناسه در ICQ افزایش یافته است. به عنوان مثال، به منظور بهبود ICQ، شناسه در هیئت مدیره مستلزم تخصص مالی است ،شناسه های ارزان باید با غرامت بیشتری ارائه شوند و برخی از شناسه باید در جلسات هیئت مدیره با جدیت شرکت کنند. در همین حال، تلاش زیادی باید برای تقویت بازار کار ID و بهبود مقررات مربوطه انجام شود به طوری که محدودیت های اعتبار را می توان موثر ساخت.

سوما، دو معیاری را که می تواند برای اندازه گیری ICQ مورد استفاده قرار بگیرد به روشی که منعکس کننده ی محتوای چینی باشد را شناسایی و بصورت تجربی تایید می کنیم: فشای گزارش حسابرسان کنترل داخلی و انتشار ارائه مجدد مالی. این پروکسی به طور مستقیم بیشتر به کنترل داخلی مربوط در مقایسه با روش های سنتی به ایجاد یک پروکسی ICQ توسط ساختن یک شاخص ICQ می پردازد. در نتیجه این مطالعه تحقیقات تجربی انجام شده بر روی ICQ را گستارش می دهد.

در نهایت، این مطالعه شواهد تجربی جدیدی از «نقش مثبتی در بهبود ICQ بر اساس شاخص از شناسه: شناسه قدرت نظارت را فراهم می کند. علاوه بر این، ما شواهد جدیدی بر کوشش شناسه در بهبود ICQ با مشاهده اینکه آیا شناسه شخصا حضور هر جلسه هیئت مدیره ارائه می دهیم. به این دلیل که مشاهده ی رفتار شناسه در شرایط کنترل تصمیم گیری بسیار وقت گیر و دشوار است، و تحقیق مربوط بسیار محدود است. قبل از این نیز مشاهده ی عملکرد شناسه در شرایط کنترل تصمیم دشوار بوده است، و تحقیقات مربوط بسیار محدود ی در این زمینه وجود دارد.

در ادامه این مقاله به شرح زیر سازماندهی شده است. بخش 2 به بررسی پس زمینه های نهادی و بررسی مکتوبات می پردازد. بخش 3 یک چارچوب نظری از قدرت نظارت شناسه،و تشریح و فرمول فرضیه ما پرداخته بخش 4 طرح پژوهش (از جمله انتخاب نمونه، مشخصات مدل و اندازه گیری متغیر) را توصیف می کند. بخش 5 نتایج تجربی را فراهم می کند. بخش 6 بررسی صحت را گردآوری می کند و بخش 7 نتیجه گیری این مقاله را ارائه می دهد.

**2. پیشینه نهادی و بررسی ادبیات**

**2.1 پیشینه نهادی**

در سال های اخیر، کنترل داخلی در چین همراه با افزایش اهمیت متصل شده توسط تنظیم کننده چین جهت ساخت سیستم کنترل داخلی مؤثر توجه بسیاری از محققین را بخود جلب کرده است . در سال 2006، بورس اوراق بهادار شانگهای (SSE) و بورس اوراق بهادار شنژن (SZSE) راهنمایی در باره ی کنترل داخلی شرکتهای دولتی هر صادر کرد ، که BoDs سالانه خود ارزیابی و گزارش حسابرسان در کنترل داخلی شان را بیان می کرد. از آن زمان، تنظیم کننده های چینی مجموعه ای از مقررات صادر کرده اند. برای مثال، در دسامبر 2007، CSRC مقررات بر روی آماده سازی 2007 سالانه گزارش های مالی توسط شرکت های عمومی و دیگر مسائل مربوط صادر شد، که به وضوح به عنوان شرکت های مالی به افشای گزارش مذکور را تشویق می کرد شرکت های عمومی پنج وزارتخانه، از جمله وزارت دارائی و در دسامبر 2008، SSE و SZSE تمامی مقررات صادر شده بر روی آماده سازی 2008 سالانه گزارش های مالی توسط شرکتهای عمومی، نیاز به افشای گزارش های شرکت های عمومی جهت ارزیابی خود از نظر کنترل داخلی و تشویق آنها به افشای گزارش حسابرسان خود برای کنترل داخلی CSRC، به طور مشترک استانداردهای عمومی شرکت کنترل داخلی مه 2008 و بار دیگر در آوریل سال 2010 صادر شد، پنج وزارتخانه به طور مشترک دستورالعمل هایی برای کنترل داخلی شرکت ها، راهنمایی برای ارزیابی شرکت نوع کنترل داخلی و راهنمایی برای حسابرسی از شرکت نوع کنترل داخلی ارائه دادند . شرکت های متقابل ذکر شده در مبادلات داخلی و بین المللی ملزم به اتخاذ این دستورالعمل از 1 ژانویه 2011 بودند، و شرکت های ذکر شده از آن زمان، شرکتهای عمومی به انجام ارزیابی موثر کنترل داخلی خود، صدور گزارش های ارزیابی خود به صورت سالانه و تعیین شرکت های حسابداری به عنوان ممیزی برای اثربخشی کنترل داخلی شان بر گزارش های مالی و گزارش حسابرسان، تشویق شده اند. هر چند، در طول 2006-2010، ارائه یگزارش خود ارزیابی کنترل داخلی تا حدی اجباری بود، و افشای گزارش حسابرسان در مورد کنترل داخلی داوطلبانه بود

ضمنا، تعداد زیادی از اقدامات نظارتی در چین برای تشویق شناسه برای اعمال نفوذ خود بر حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی شرکت های عمومی صورت گرفت. به عنوان مثال، در ماه اوت سال 2001، CSRC راهنمایی در ایجاد سیستم مستقل مدیران در شرکت های عمومی (راهنمای نهایی)، که نیاز به حداقل یک سوم از هیئت مدیره در شرکت های عمومی به صورت مستقل و حداقل یک متخصص مالی علاوه بر این دارد، که مستلزم آن است که یک عضو هیئت مدیره جبران، حسابرسی و / یا کمیته نامزدی، حداقل نیمی از اعضای این کمیته باید مستقل باشد CSRC نیز کد حاکمیت شرکتی برای شرکت های عمومی در چین (کد نهایی) در ماه جولای سال 2002 صادرکرد کد نیاز به شناسه برای اکثریت اعضای این ویژه، نامزدی و جبران کمیته ها و به صندلی کمیته های خود دارد . علاوه بر این، تصریح می کند که حداقل یک ID در کمیته حسابرسی بایدمتعلق به یک متخصص مالی باشد که یکی از مسئولیت های اصلی کمیته حسابرسی است که به بررسی سیستم کنترل داخلی می پردازد. این مسئله نشان می دهد که همه اعضای کمیته حسابرسی، از جمله شناسه، باید نقش نظارت بر خود جهت حصول اطمینان از اثربخشی سیستم کنترل داخلی ایفا کند. در سال 2007، SZSE مقرراتی بر روی آماده سازی سالانه گزارش های مالی 2007 توسط شرکتهای عمومی تنظیم کرد که ، نیاز شرکت های عمومی به افشای گزارش خود ارزیابی بر کنترل و شناسه داخلی برای نظراتی که بصورت جداگانه در این گزارش بیان شده است. این مورد حاکی از این است که قانون گذاران چینی شناسه را با وظیفه نظارت بر شرکتهای دولتی برای بهبود کنترل داخلی خود واگذار می کنند و بر این باورند که باید نقش مهمی در انجام این کار بازی کند.

**2.2. بررسی نوشته ها**

قبل از تصویب SOX، تحقیق در مورد نقش BoDs در نظارت بر کنترل داخلی به دلیل عدم وجود اطلاعات عمومی مرتبط عمدتا اصولی بود. به عنوان مثال، در تجزیه و تحلیل اثربخشی کنترل داخلی، جنسن (1993) استدلال می کند که اندازه یک هیئت مدیره شرکت های بزرگ عامل مهم اثربخش بشمار می رود و بخش 404 SOX نیاز شرکت های دولتی و حسابرسان خود را برای گزارش در مورد اثربخشی کنترل داخلی شان از گزارش مالی و افشای ضعف مربوط اطلاعات در دسترس عموم در اختیار پژوهشگران با فرصت به بررسی اثربخشی کنترل داخلی از دیدگاه حاکمیت شرکتی با استفاده از شاخص حاکمیت شرکتی، دویل، جنرال الکتریک، و McVay (2007) و Hoitash، Hoitash و Bedard (2009) دریافتند که هر چه ICQ افزایش یابد کیفیت هیئت مدیره بهتر می شود. Fang, Sun, و Jin (2009) دریافتند که شرکت ها ی دولتی با شناسه های بیشتر ممکن است به افشای اطلاعات کنترل داخلی بپردازند.

جریان دیگر ادبیات اثر شناسه است که توسط کریشنان (2005) بیان شده ضعف کنترل داخلی و نسبت شناسه و کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی به ارتباط منفی منجر شده که قبل از کریشنان و ویسواناتان (2007) بررسی این رابطه در دوران پس از SOX را انجام داده و به نتایج مشابهی دست یافته است. علاوه بر این، آنها دریافتند که شرکت های صادرکننده به ارائه مجدد مالی کمتری پرداختند در صورتی که نسبت بالاتری از شناسه و کارشناسان مالی در کمیته ممیزی خود را در دست داشتند . ژانگ، ژو، و ژو (2007) بیان کردندکه شرکت به احتمال زیاد به با ضعف کنترل داخلی مواجه می شود اگر کمیته حسابرسی خود تخصص مالی کمتر و نسبت شناسه در کمیته حسابرسی مثبت اما ناچیز با احتمال افشای مرتبط ضعف کنترل داخلی SOX ICQ با تجزیه و تحلیل نقش نظارت شناسه در کمیته حسابرسی باشد.

علاوه بر این، مطالعات قبلی نشان می دهد که شرکت های با شناسه بیشتر می توانند ضعف کنترل داخلی را با سرعت بیشتری تصحیح کنند (GOH 2009جانستون، لی، و Purley را 2011) ، و احتمالا بیشتر به افشای گزارش کنترل داخلی به طور داوطلبانه مایل باشند (اووسو-Ansah و )Ganguli و کمتر با ضعف کنترل داخلی مواجه شوند (چن و همکاران2011. با این حال، هر یک از این مطالعات به بررسی یکی از مشخصات ID به جای ترکیب سیستماتیک ویژگی های ID و جمع بندی تجزیه و تحلیل اثر خود را در ICQ ارائه می دهد.

**3. تجزیه و تحلیل نظری و تدوین فرضیه**

با توجه به تئوری نمایندگی، در مقایسه با مدیران اجرایی، شناسه اینرسی مدیریتی نظارت و در نتیجه کاهش مشکل آژانس صاحب مدیریتی (فاما و جنسن، 1983). نتایج تجربی بیسلی نشان می دهد که شرکت های با نسبت های بالاتر از شناسه سود کیفیتی بالاتری را کسب می کنند این مطالعات نشان می دهد که افزایش قدرت نظارت شناسه می تواند کیفیت گزارشگری مالی را افزایش داده و هزینه های نمایندگی را کاهش دهد.

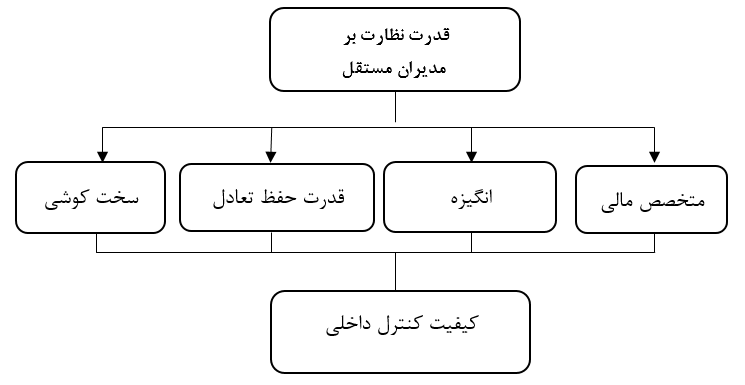
تنظیم کنندگان اوراق بهادار در چین و جاهای دیگر به تازگی یک سری از اصلاحات برای بهبود قدرت نظارت از شناسه به امید کنترل داخلی به عنوان مثال، تنظیم کننده مانند کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) در دستور USA که اکثر مدیران هیئت مدیره باید مستقل باشد، و بسیار حائز اهمیت است که شناسه باید حسابرسی و کمیته غرامت را به خدمت بگیرد.

همانطور که در بخش 2 بحث شد، چین مقررات مشابهی صادر کرده است ICQ تابعی از محیط کنترل داخلی، که (کریشنان 2005) بیان می کند کمیته حسابرسی به طور مستقیم نظارت بر کنترل داخلی و مسئول نظارت بر ICQ می باشد، وشامل BoDs مسئول نهایی فرض و نظارت افزایشی کنترل داخلی به عنوان بخشی از وظایف خود را امانتی BoDs و کمیته حسابرسی است. در نتیجه، اعضای هیئت مدیره و اعضای اصلی کمیته حسابرسی، شناسه وظایف طبیعی خود را برای بهبود ICQ انجام می دهند. با توجه به تفکیک مالکیت و کنترل، مدیریت غالبا به انگیزه های شخصی خود توجه می کند که لزوما به نفع سهامداران نخواهد بود. هنگامی که کمبود کنترل داخلی وجود داشته باشد، ممکن است مدیریت مایل به سرمایه گذاری زمان و منابع لازم نداشته باشد چرا که چنین تلاش هایی توجه و منابع را از کسب و کار اصلی خود شناسه با قدرت نظارت قوی و می تواند مدیریت را از سرمایه گذاری در اصلاح تلاش ها، در تسریع نتیجه و در نتیجه بهبود ICQ منحرف کند. از این رو، ما فرضیه ی زیر را اثبات می کنیم:

H1: قدرت نظارت شناسه ارتباط مثبت باICQ دارد و باقی موارد برابر هستند.

شناسه شامل چه نیروی نظارتی می باشد؟این سوال را می توان با پاسخ دادن به سوالات خاص زیر بررسی کرد. اول، آیا شناسه درای تخصص مالی کافی برای کشف و افشاء ضعف کنترل داخلی می باشد؟این مورد بستگی به صلاحیت حرفه ای خود، مانند اینکه آیا آنها پس زمینه های آموزشی و یا تجربه کاری در حسابداری و امور مالی را دارند. دوم، آیا شناسه انگیزه کافی برای کشف و افشای ضعف کنترل داخلی، و یا برای بیان نظرات عینی و جداگانه را در اختیار می گذارد؟مشوق شناسه 'ممکن است از جبران خسارت اقتصادی ارائه شده توسط شرکت ها و محدودیت های اعتبار از بازار مشتق شده باشد. سوم، انجام شناسه تعادل قدرت را در BoDs خود ممکن است منجر به اطمینان شود که نظرات جداگانه خود را در بهبود ICQ پذیرفته؟این مورد نیازمند است تا شناسه دارای جایگاه کافی در BoDs خود داشته باشد، به عنوان مثال نسبت شناسه باید به یک سطح معینی برسد. در نهایت، آیا شناسه پشتکار در فرایندهای تصمیم گیری از BoDs خود شرکت می کنند، و آیا آنها شخصا در تمامی جلسات هیئت مدیره حضور دارند؟این سوال مربوط به سعی و کوشش خود می شود. در مجموع، این چهار بعد یک چارچوب از نقش ID ها در کنترل داخلی را تشکیل می دهند (شکل 1) ما باید روشن کنیم که تا چه حد هر یک از ابعاد کمک به بهبود ICQ و توسعه یک فرضیه برای هر بعد کمک می کند.

در بخش های زیرآیا شناسه منحصر به فرد موثر می تواند قدرت خود را از کنترل تصمیم اعمال بستگی به توانایی آنها از آموزش و کار تجربه گذشته خود انباشته کند. در پاسخ به رسوایی مالی در ایالات متحده آمریکا در اواخر قرن بیستم در معرض، کمیته روبان آبی در بهبود اثربخشی کمیته حسابرسی منتشر شد گزارش در تاریخ 8 فوریه 1999 (روبان کمیته آبی 1999)، نشان می دهد که بازار بورس نیویورک و انجمن ملی نمایندگی اوراق بهادار نیاز به شرکت های دولتی با سرمایه گذاری در بازار بالا 200 میلیون $ به نصب کمیته حسابرسی با یکی از اعضای تخصص حسابداری و دیگر اعضای دارای تخصص مالی دارد.



شکل 1. چارچوبی از نقش شناسه ها در کنترل داخلی

افزایش تعداد مدیران با پس زمینه های مالی به منظور افزایش نظارت بر گزارش های مالی و کنترل داخلی انتظار بود. پس از فوران رسوایی انرون در سال 2001، کنگره آمریکا تصویب SOX که حکم که شرکت های عمومی افشا کند که آیا کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی آنها وجود دارد. نظریه ی راهنمای صادر شده توسط CSRC به تصریح مقررات مشابه می پردازد(به بخش 2 مراجعه شود). مطالعات تجربی شاهدی بر نقش از شناسه با پس زمینه های مالی در مناطق از قبیل محدود مدیریت سود(هو و تنگ 2008) و کاهش ارائه مجدد مالی(ابوت، پارکر، و پیترز 2004) بنابراین، ما استدلال می کنند که شناسه با پس زمینه های مالی بیشتر صالح از کسانی که بدون پس زمینه مالی در اجرای وظایف خود را برای بهبود: ICQ هستند. این استدلال ما را به فرضیه زیر هدایت می کند:

H1-A: در مقایسه با دیگر شرکتهای عمومی، شرکتهایی که شناسه با پیشینه مالی ICQ بالاتری دارند ،در چیزهای دیگر مساوی هستند.

بعد دوم از قدرت نظارت شناسه، این است که آیا شناسه انگیزه کافی برای نظارت بر کنترل داخلی و بهبود کیفیت آن شناسه، که نه صاحبان شرکت های بزرگ و نه کنترل هستند، شرکت کنندگان با سرمایه خاص انسان هستند و واگذار شده به عنوان مانیتور مدیریت انگیزههای آنها برای انجام این کار ناشی از پاداش ها و محدودیت(باگات و توکس 2012) استدلال می کنند که به عنوان امانت های قانونی سهامداران، شناسه انتظار می رود به صرف زمان مستقل و تلاش در نقش خود، و در نتیجه، آنها باید به طور مستقیم برای فعالیت های خود را جبران کنند. شناسه معمولا کارشناسان که دستاوردهای یا نفوذ اجتماعی در یک زمینه خاص به دست آورد کرده اند به عنوان ارزش سرمایه انسانی آنها بالا است، برای جبران سرمایه انسانی سرمایه گذاری مورد نیاز است تا اطمینان حاصل شود سهم خود را. زمانی که منافع خود را انجام خطرات خود را مطابقت ندارد، آنها انگیزه کافی برای نظارت بر مدیریت شرکت(جنسن 1993). در چین، شناسه پرداخت غرامت از کارفرمایان خود دریافت با توجه به مقررات مربوطه و در نتیجه انگیزه برای اعمال نفوذ خود را موثرتر نقش فعال آنها در افزایش ICQ تحت تاثیر قرار است که پاداش مالی کافی نیست. در نتیجه، بیشتر جبران شناسه، تلاش بیشتر آنها در سرمایه گذاری ICQرا به همراه خواهد داشت.

منبع دیگری از انگیزه شناسه «محدودیت اعتبار است با توجه به نظریه نمایندگی، مدیریت های متعدد از یک ID ارسال یک سیگنال قوی به بازار که ID است با کیفیت بالا(فاما و جنسن 1993). هنگامی که شناسه علت سعی و کوشش خود را انجام نمی دهد، شهرت خود را آسیب دیده است و آنها می توانند پیدا کردن آن دشوار برای پیدا کردن شغل با شرکت های دیگر. بنابراین، شناسه به طور فعال تحت محدودیت های اعتبار انجام عملکرد نظارت خود. در همین حال، شناسه با شهرت بالا معمولا فرصت های بیشتر برای اشتغال داشته باشد. اگر کنترل داخلی سازمان ضعیف است، شهرت ID به احتمال زیاد مدیریت بیشتر یک با توجه به شرکت های عمومی ژاپن در صنعت نساجی به عنوان نمونه. می یابند که سخت تر محدودیت اعتبار قرار داده شده در شناسه، بهتر است عملکرد خود را در نقش نظارت بر خود. در کوتاه مدت، شناسه می ایفای نقش نظارت بر خود بیشتر عینی و به طور موثر تحت محدودیت های اعتبار (یه و همکاران 2011) بنابراین، ما فرض است که ID است، بیشتر شهرت خود است(وافیس 1999). بنا براین نتیجه می گیریم که:

**H1-B1 :** جبران شناسه بطور مثبت به ICQ مرتبط است عوامل دیگر مساوی هستند.

**H1-B2 :** شهرت شناسه بطورمثبت به ICQ مرتبط است عوامل دیگر مساوی هستند.

ادبیات، استقلالهیئت مدیره را یکی از عوامل موثر برای رفتار شرکت می داند. . استقلال هیئت مدیره بیشتر در مورد اینکه آیا هیئت مدیره شرکت های بزرگ دارای تعداد کافی از شناسه بستگی دارد و از این رو آن است که آیا به طور موثر می تواند تعادل فرایند تصمیم گیری آن تنها زمانی که نسبت شناسه رسد یک سطح معینی می توانید آنها قدرت نظارت خود عینی و مستقل اعمال و نظرات خود را توسط هیئت مدیره حمایت مطالعات تجربی نشان می دهد که شرکت های بزرگ تابلو با نسبت بالاتر از شناسه به راحتی می توانید مقاومت در برابر دخالت خارجی و از این رو ارائه اطلاعات مالی شفاف تر (Raheja 2005؛ Mallin و OW-یونگ 2012). Sawicki (2009) تایید می کند که افزایش شناسه، به عنوان یک عامل برای بهبود حاکمیت شرکتی، به بالاتر سود سهام پرداخت ناشران مرتبط است، نشان می دهد که بهبود حفاظت دارنده share- توانایی سهامداران جزء به استخراج پول نقد را از خودی شرکت های بزرگ. افزایش سهم شناسه کمک می کند تا به کاهش هر دو عدم تقارن اطلاعات بین چرخش محدود و سهامداران جزء و وقوع تقلب مالی (بیسلی 1996؛ چن و همکاران بنابراین، ما استدلال می کنند که افزایش سهم شناسه در هیئت مدیره استقلال هیئت مدیره را افزایش می دهد و در نتیجه به ICQ کمک می کند. این استدلال ما را به فرض که al.2011).

**H1-C:** نسبت شناسه در BOD مثبت به ICQ مربوط

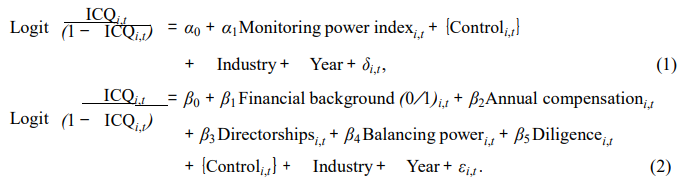
سعی و کوشش شناسه به طور مستقیم می توانید نقش نظارتی خود را در بهبود این نفوذ است که عمدتا در زمان و انرژی است که شناسه سرمایه گذاری منعکس شده است. جلسات هیئت مدیره یک فرصت مهم برای شناسه به شرکت در فرایند تصمیم گیری و نظارت بر نمایندگی کند. بنابراین، بالاتر نسبت جلسات هیئت مدیره که شناسه حضور، زمان و انرژی بیشتری آنها سرمایه گذاری، و در نتیجه به طور موثر تر آنها نظارت به همین ترتیب، سعی و کوشش کم اثر نظارت شناسه، کاهش می یابد و در نتیجه مقابله بهبود ICQ. این استدلال ما را به فرضیه زیر ICQ را تحت تاثیر قرار

**: H1-D** نسبت جلسات هیئت مدیره که شناسه حضور مثبت مربوط به ICQ است، چیزهای دیگر مساوی هستند

**4. طرح پژوهش**

**4.1 مدل و متغیرهای**

ما آزمون این فرضیه که ICQ تابعی از قدرت نظارت شناسه (از جمله شایستگی، انگیزه ها، قدرت تعادل و سعی و کوشش) و دیگر متغیرهای کنترل است. دویل، جنرال الکتریک، و McVay (2007)، Hoitash، Hoitash و Bedard (2009) و جانستون، لی، و Purley را (2011)، مدل استفاده از (1) برای تست H1 و مدل (2) برای تست H1-A ، H1-B1، H1-B2، H1-C و H1-D



ما دو اقدام به ICQ پروکسی اتخاذ کنند. یک گزارش حسابرس (0/1) است، که یک متغیر ساختگی از اینکه یک شرکت گزارش حسابرسان در مورد کنترل داخلی اعلام کرده است. این یک پروکسی مناسب برای ICQ در چین است. اول، گزارش حسابرسان در مورد کنترل داخلی در چین دو شرط را ارضا سیگنالینگ عمومی انتخاب و مشکل مصنوعی (راس، 1977). شرکت های عمومی مورد نیاز نمی شد به افشای گزارش حسابرسان در مورد کنترل داخلی قبل از 2011 . با این حال، اگر ICQ یک شرکت بالا بود، مدیران آن خواهد بود مایل به افشای اطلاعات به مثبت (لین و رائو 2009). این گزارش ها را نمی توان به راحتی توسط شرکت های با ضعیف حسابرسان چینی در طول دوره نمونه ما راهنمایی در حسابرسی کنترل های داخلی در اختیار نداشت، در نتیجه آنها محتاط در مورد درگیر شدن در چنین حسابرسی بودند و تنها تمایل به ممیزی شرکت های عمومی با ICQ بالا به کنترل خطرات حسابرسی (وانگ، 2011). ICQ تقلید، به عنوان این شرکت دارای نقاط ضعف کنترل داخلی و چند شرکت های حسابداری مایل به ممیزی کنترل های داخلی خود بودند بنابراین، شرکت تقلید تا به حال به کوشش زیادی بر حسابرسان متقاعد و پرداخت آنها را از حد معمول بیشتر است. شرکت های تقلید نیز در معرض خطر که توسط بازار دیده می شود. هنگامی که یک گزارش نادرست در معرض است، شرکت های تقلید توسط تنظیم کننده اوراق بهادار و بازار مجازات.

دوم، در طول دوره 2006-2010 نمونه، گزارش تمام حسابرسان در مورد کنترل داخلی با نظرات مثبت از حسابرسان، نشان می دهد ICQ خوب فاش شد. به عنوان مثال، وانگ (2011) نشان می دهد که 72 شرکت در سال 2009 و 48 شرکت در سال 2010 گزارش حسابرسان در مورد کنترل داخلی افشا، و همه آنها نظرات مثبت صادر دلایل راست است. در طول 2006-2010، شرکتهای عمومی نه لازم بود به کنترل های داخلی خود حسابرسی و نه به افشای گزارش های مربوط (بحث و گفتگو در بخش) 2). شرکت تنها با سیستم کنترل داخلی مؤثر تصمیم به انتصاب حسابرسان و افشای گزارش های خود را. سوم، چند مطالعات تجربی در سند چین که گزارش حسابرسان در مورد کنترل داخلی سیگنال به عنوان موثر به بازار خدمت می کنند و می تواند یک پروکسی خوب برای ICQ (لین و رائو 2009؛ نیش، شیعه، و ژانگ 2013)

از آنجا که افشای داوطلبانه از حسابرسان گزارش کنترل داخلی از لحاظ نظری یک سیگنال از ICQ بالا و خوب عمل کنترل داخلی در طول دوره نمونه ما، ما استدلال می کنند که حسابرسان گزارش کنترل داخلی می تواند به عنوان یک پروکسی خوب برای ICQ خدمت

اندازه گیری دیگر بیان دیگرگونه مالی (0/1) است، که یک متغیر ساختگی که آیا شرکت های ارائه مجدد مالی در طول 2006-2010 تجربه است. درمان restate- داوطلبانه و یا SEC-اجرا از یک صورت های مالی نشان می دهد مشکلات در مدل گزارشگری مالی یا درآمد دستکاری توسط مدیریت، و از جمله نقاط ضعف می تواند علامتی از کنترل داخلی ING underly- ضعیف (کریشنان و ویسواناتان 2007) در واقع، برخی مطالعات نشان می دهد که ارتباط معنی داری بین کمبود کنترل داخلی و احتمال درمان restate- مالی (Ashbaugh-Skaife، کالینز، و کینی 2007؛ Muramiya و TAKADA 2010؛ Plumlee و Yohn 2010)

ما اندازه گیری قدرت نظارت از طریق ایجاد یک (شاخص قدرت نظارت) شاخص ترکیبی متشکل از چهار بعد: شناسه: شناسه تخصص مالی، انگیزه، حفظ تعادل قدرت و سعی و کوششاول، تخصص مالی شناسه 'است که توسط پس زمینه های مالی پروکسی. زیر DeFond، ربکا، و هو (2005)، ما شناسایی شناسه با پس زمینه های مالی در صورتی که مدارک دانشگاهی یا تخصص کار در امور مالی، حسابداری یا حسابرسی، مانند حسابداران، حسابرسان، اصلی و یا مقامات ارشد مالی، کنترل یا مدیر یا رئیس افسران حسابداری پس زمینه های مالی شناسه است به عنوان تعدادی از شناسه با زمینه مالی تقسیم بر تعداد کل شناسه اندازه گیری شد. دوم، انگیزه شناسه ها توسط هر دو کشتی جبران خسارت و مدیرعامل سالانه پروکسی. ما با استفاده از لگاریتم طبیعی به طور متوسط سالانه جبران شناسه (جبران سالانه) در سال جاری برای اندازه گیری انگیزه جبران خسارت خود. مطالعات (برای مثال فاما و جنسن 1983؛ Carcello و همکاران، 2002؛ گو 2009) نشان می دهد که تعدادی از کشتی مدیر شناسه 'می تواند یک پروکسی از صلاحیت حرفه ای و شهرت خود را. سوم، ما با استفاده از نسبت شناسه در BoDs برای اندازه گیری قدرت حفظ تعادل خود است. در نهایت، ما با استفاده از سعی و کوشش برای اندازه گیری سعی و کوشش شناسه. ما تقسیم تعداد حضور شخصی هر ID در جلسات هیئت مدیره با تعداد کل جلسات هر IDباید در سال جاری حضور داشتند. سعی و کوشش برابر متوسط نسبت حضور شخصی هر ID در جلسات هیئت مدیره، و بالاتر از متوسط نسبت، بالاتر سعی و کوشش شناسه است

فرانسیس، LaFond، و اولسن (2004)، ما شاخص قدرت مانیتورینگ به صورت زیر محاسبه کند. ما با رتبه بندی هر یک از پنج پروکسی و دهکها شرکت آغاز خواهد شد. شرکت در دهک بالا (دهک 1) دارای کمترین ارزش پروکسی از 1، و شرکت در دهک پایین (دهک 10) دارای بالاترین ارزش پروکسی از 10 . پس ما محاسبه میانگین رتبه بندی از پنج پروکسی برای هر شرکت نمونه و فرم شاخص قدرت نظارت شناسه. با استفاده از رتبه دهک هر صفت به جای مقدار خام خود را کاهش اثرات مشاهدات شدید (فرانسیس، LaFond به، و Olsson از 2004) و اجازه می دهد تا ما را در تفسیر ضریب تخمین نتیجه به عنوان قدرت نظارت افزایشی شناسه: در ارتباط با دهک های مجاور.

پس از انجام مطالعات قبلی، کنترل در مدل های (1) و (2) نشان دهنده دو دسته اصلی از متغیرهای کنترل: عوامل حکومت و ویژگی های شرکت است. اول، ما شامل متغیرهای زیر به عنوان پروکسی برای کیفیت حاکمیت شرکتی، به عنوان مطالعات نشان میدهند که آنها نقش مهمی در ICQ (به عنوان مثال دویل، جنرال الکتریک، و Mcvay 2007؛ ژانگ، ژو، و ژو 2007؛ Hoitash، Hoitash و Bedard 2009 ؛ چن و همکاران 2011؛ جانستون، لی، و Purley را 2011): اندازه هیئت مدیره (مدیرعامل اندازه هیئت مدیره)، عملیات BOD از نظر تعداد جلسات هیئت مدیره (جلسات هیئت مدیره)، قدرت مدیر عامل شرکت (دوگانگی (0/1)) ، اندازه هیئت نظارت (اندازه هیئت نظارت)، مالکیت مدیریتی (مالکیت مدیریتی) و یک متغیر ساختگی نشان می دهد آیا شرکت های عمومی چهار کمیته تاسیس (یعنی حسابرسی، جبران خسارت و ارزیابی، استراتژی و کمیته نامزدی) (چهار کمیته (0/1 . با توجه به ساختار مالکیت ویژه در چین، ما نیز تمرکز مالکیت (غلظت مالکیت) و ماهیت مالکیت نهایی (کنترل دولت (0/1)) برای کنترل اثرات آنها اضافه کنید. دوم، شرکت های با سود دهی ضعیف (نرخ سود سهام)، خطرات ناشی از نقض مقررات (تحریم (0/1))، رشد بالا (رشد)، اهرم بالا (اهرم)، اندازه شرکت (اندازه شرکت) و عملیات پیچیده (روز حسابرسی) معمولا در نظر گرفته به ICQ پایین تر (دویل، جنرال الکتریک، و. چان، Ezzamel، و ویلیام (1993) استدلال می کنند که شرکت های جوان با کمتر از 10 سال را معمولا ضعف کنترل داخلی کمتری دارند. بنابراین، ما شامل این خصوصیات شرکت به عنوان متغیرهای کنترل . ما اضافه کردن دو متغیر ساختگی برای کنترل اثرات حسابرسان و تفاوت در تنظیم کننده های در ICQ: BIG4 (0/1)، که برابر 1 اگر گزارش سالانه یک شرکت است که توسط یک بزرگ 4 شرکت حسابداری بین المللی حسابرسی، در غیر این صورت 0؛ و بورس (0/1)، که برابر 1 اگر یک شرکت بر. ما شامل بورس (0/1) برای کنترل رژیم های مختلف سهام مبادلات و تاثیرات را بر روی کنترل داخلی است. علاوه بر این، ما شامل صنعت (صنعت) و سال (سال) بسفرس برای کنترل اثرات صنعت و تغییرات در محیط اقتصاد کلان مشترک به هر شرکت در دوره نمونه. همه از متغیرها و تعاریف آنها در جدول 1 ارائه شده است. SZSE ذکر شده، در غیر این صورت 0 McVay 2007) ) )

**4.2 انتخاب نمونه**

از سال 2006، تنظیم کننده های چینی مجموعه ای از مقررات کنترل داخلی و شرکتهای عمومی سن تشویق صادر کرده اند به افشای اطلاعات کنترل داخلی خود را. بنابراین، نمونه اولیه ما تمام شرکت های ذکر شده در SSE و SZSE از سال 2006 تا سال 2010. شامل ما پس از آن محدودیت های زیر اعمال می شود: (الف) یک شرکت باید یک شرکت مالی نیست، (ب) یک شرکت نباید در ذکر شده رشد هیئت مدیره شرکت با توجه به تاریخ کوتاه خود و (ج) یک شرکت / سال باید داده های از دست رفته را ندارد.

این معیارها یک نمونه قابل استفاده از 6764 مشاهدات نمایندگی 1606 شرکت به همراه داشت. از این تعداد، 782 (3331 مشاهده) در SSE و 824 (3434observations) در SZSE ذکر شده است. ما دستی جمع آوری داده ها کنترل داخلی از گزارش حسابرسان سالانه فاش در http://www.cninfo.com.cn، داده بازگویی مالی از اطلاعیه موقت در پایگاه داده باد و داده ها پس زمینه های مالی از مدیریت معرفی زندگینامه.

|  |  |
| --- | --- |
| جدول 1. تعریف متغیر. | |
|  |  |
| متغیر | تعریف |
| گزارش حسابرس (0/1 ) | برابر با 1 اگر یک شرکت گزارش حسابرس در مورد کنترل داخلی افشا، |
|  | در غیر این صورت 0 |
| ارائه مجدد مالی (0/1( | برابر با 1 اگر یک شرکت است که از ارائه مجدد مالی انجام نشده است، در غیر این صورت 0 |
| نظارت بر شاخص قدرت | فرانسیس، LaFond ، و اولسن (2004) : طراحی متغیر را ببینید در بخش 4.1 |
| پس زمینه های مالی | تعداد شناسه با زمینه مالی تقسیم بر تعداد کل شناسه |
| ریاست جبران سالانه | لگاریتم طبیعی با استفاده از جبران خسارت سالانه کشتی مدیر کل ID شناسه، تقسیم بر تعداد کل  شناسه متعادل |
| قدرت | تعداد شناسه تقسیم بر تعداد کل هیئت مدیره سعی و کوشش برابر با مجموع نسبت حضور شخصی  هر ID در هیئت مدیره |
|  | جلسات تقسیم بر تعداد کل شناسه، که در آن نسبت به حضور شخصی هر ID در جلسات هیئت  مدیره برابر تعداد کل حضور شخصی شناسه 'در جلسات هیئت مدیره تقسیم بر تعداد کل جلسات  هیئت مدیره که شناسه باید در سال جاری حضور. |
| اندازه هیئت مدیره مدیرعامل | نسبت تعداد کل هیئت مدیره تقسیم بر لگاریتم طبیعی از کل دارایی |
| جلسات هیئت مدیره | لگاریتم طبیعی تعداد کل جلسات هیئت مدیره در یک سال حسابداری |
| دوگانگی (0/1) | برابر با 1 اگر مدیر عامل و رئیس همان شخص، در غیر این صورت 0 |
| اندازه هیئت نظارت | نسبت تعداد کل اعضای هیئت نظارت تقسیم بر لگاریتم طبیعی از کل دارایی |
| مالکیت مدیریتی | درصد سهام عادی توسط مدیران و مدیران متعلق به در پایان هر سال حسابداری |
| چهار کمیته (0/1) | برابر با 1 اگر یک شرکت است حسابرسی، جبران خسارت و ارزیابی، استراتژی و کمیته های  نامزدی، در غیر این صورت 0 |
| کنترل دولت (0/1) | برابر با 1 اگر صاحب کنترل نهایی دولت و یا دولتی است، در غیر این صورت 0 |
| تمرکز مالکیت | مجموع درصد مربع سهام برگزار شده توسط هر یک از پنج سهامداران بالا |
| سن شرکت (0/1) | برابر با 1 در صورتی که سن را یک شرکت کمتر از 10 است، در غیر این صورت 0 |
| بازده حقوق صاحبان سهام | سود خالص تقسیم بر ارزش حقوق صاحبان سهام |
| اندازه شرکت | لگاریتم طبیعی ارزش کتاب از کل دارایی در پایان هر سال حسابداری |
| روز حسابرسی | لگاریتم طبیعی تعداد روزهای سپری شده در حسابرسی گزارش های سالانه |
| رشد  در سال حسابداری قبلی تقسیم | تفاوت در کل دارایی بین سال حسابداری جاری و سال های حسابداری قبلی ارسال شده توسط کل دارایی |
| قدرت نفوذ | ارزش دفتری کل بدهی تقسیم بر ارزش کتاب از کل دارایی |
| تحریم (0/1) | برابر 1if یک شرکت مشمول تحریم انضباطی CSRC در 3 سال گذشته بود، در غیر این صورت 0 |
| بزرگ 4 (0/1)  غیر این صورت 0 | برابر با 1 اگر گزارش سالانه یک شرکت توسط یک بزرگ 4 شرکت حسابداری بین المللی حسابرسی، در |
| بورس (0/1) | برابر با 1 اگر یک شرکت بر SZSE ذکر شده، در غیر این صورت 0 |

در حاکمیت شرکتی زیر پایگاه داده از پایگاه داده چین بازار سهام پژوهش حسابداری (CSMAR). ما در حکومت و مالکیت سهامداران اطلاعات شرکت ها از مرکز چین تحقیقات اقتصادی (CCER) پایگاه داده ها و داده های باقی مانده از پایگاه داده CSMAR دست آمده است. ما عبور از داده ها را برای سازگاری بررسی می شود. برای جلوگیری از اثرات پرت، تمام متغیرهای پیوسته در سطح 1٪ در هر دو طرف وینزوری شده.

**5. نتایج تجربی**

**5.1 آمار توصیفی**

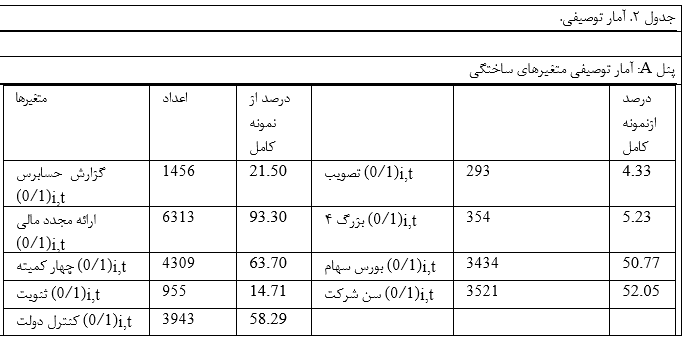
جدول 2 گزارش آمار توصیفی از متغیرهای. پانل A ارائه آمار از متغیرهای ساختگی هنگامی که ارزش آنها برابر 1. گزارش حسابرسان در مورد کنترل داخلی توسط 1456 شرکت اعلام شد، حسابداری برای 21.50 درصد از کل نمونه. بدون ارائه مجدد مالی برای 6313 مشاهدات صادر شد، حسابداری برای 93.30 درصد از کل نمونه. این نشان می دهد که بخش کوچکی از شرکت های داوطلبانه گزارش حسابرسان خود را بر روی کنترل داخلی اعلام، و این که اکثر شرکت ها را ارائه مجدد مالی آزاد نیست. پانل A نیز نشان می دهد که بیش از نیمی از شرکت های نمونه چهار کمیته تاسیس کرده بود، و این که نزدیک به 60٪ از کنترل نهایی مشاهدات »دولتی شد. علاوه بر این، برای 955 از مشاهدات، رئیس مدیر عامل و هیئت مدیره همان شخص بود، حسابداری برای 14.71 درصد از نمونه. تنها بخش کوچکی از شرکت مجازات نظارتی دریافت و یا توسط یک بزرگ 4 شرکت حسابداری بین المللی حسابرسی شد. شرکت های نمونه ذکر شده در SZSE و SSE نیمی از شرکت های نمونه حساب، و بیش از 50 درصد از شرکت های نمونه دارای سابقه فهرستی از 10 سال یا بیشتر می باشند.

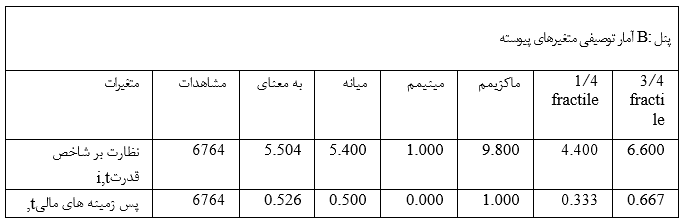
پانل B ارائه آمار از متغیرهای پیوسته. قدرت نظارت متوسط شناسه کامپوزیت، 5.504 است، با حداقل 1 و حداکثر 9.8. این به معنی این است که یک شکاف قابل توجهی در قدرت نظارت شناسه 'در میان شرکت های عمومی چین وجود دارد. متوسط از شناسه با یک پس زمینه مالی 52.57٪ است، از 0٪ تا 100٪. این نشان می دهد که برخی از شرکت های عمومی هیچ شناسه با یک پس زمینه مالی است. جبران ID دامنه از 0 تا 125000 یوان و به طور متوسط 19،400 یوان است. میانگین تعداد 1.747 مدیر است، اعم از 1 تا 5. نسبت متوسط شناسه 36.07٪ است، با حداقل و حداکثر 25٪ و 55.56٪. درصد جلسات هیئت مدیره با حضور شناسه محدوده از 33.33٪ به 100٪، با میانگین 94.73٪. این نشان می دهد که برخی از شناسه را دو سوم از جلسات هیئت مدیره خود حضور نداشت. پانل B همچنین نشان می دهد که شرکت های نمونه هر کدام به طور متوسط 9 اعضای هیئت مدیره (0.427 × 21.491) و 8.35 جلسات هیئت مدیره در سال (e2.122)، و 4 عضو در هر هیئت نظارت (e0.182) وجود دارد. مالکیت مدیریتی در تنها 0.034٪ نسبتا پایین در حد متوسط است. میانگین تمرکز مالکیت 0.169 است.

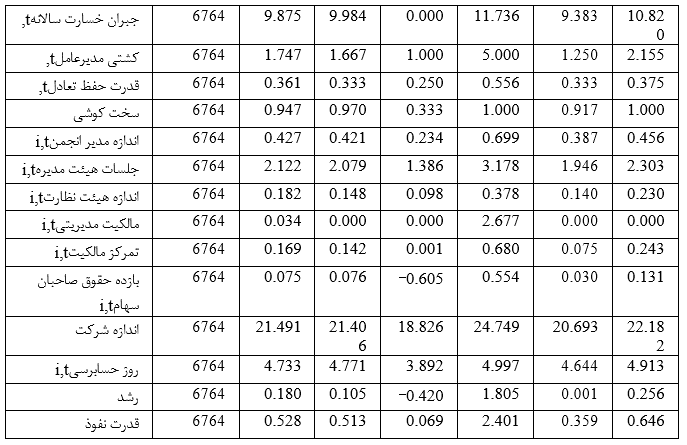
برای تست چند خطی، ما محاسبه عوامل تورم واریانس برای متغیرهای مستقل. بزرگترین 4.22 به خوبی زیر حکومت از انگشت شست قطع 10.0 برای مدل های رگرسیون چندگانه (کندی، 1998) است. بنابراین نتیجه می گیریم که چند خطی بعید است به یک مشکل جدی در مطالعه ما است.

**5.2 نتایج چند متغیره**

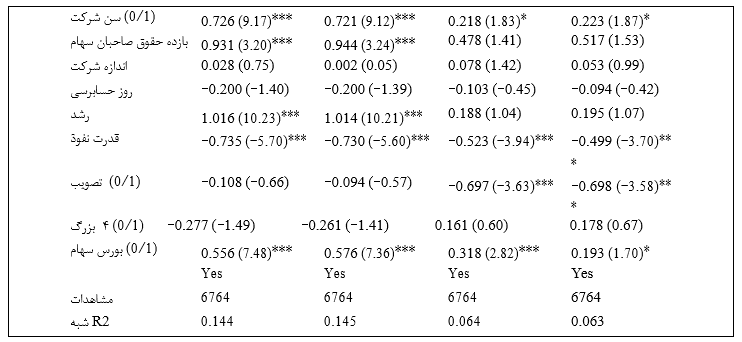
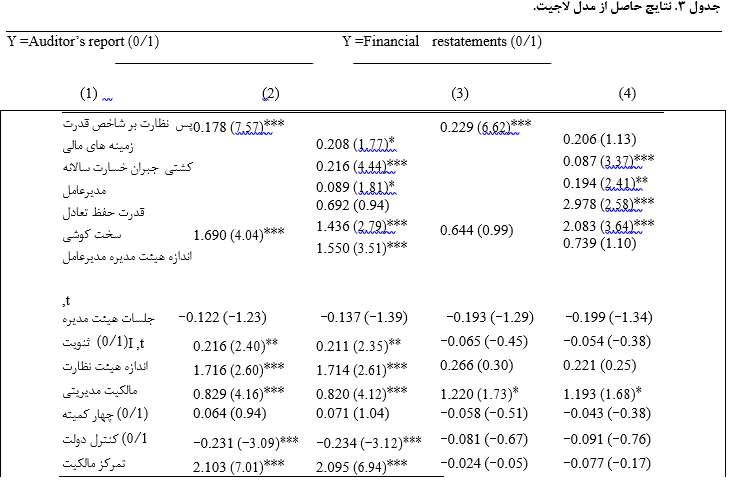
جدول 3 نتایج از مدل رگرسیون استفاده برای آزمون فرضیه ما نشان می دهد. ستون (1) و (2) نتایج گزارش زمانی که ICQ است گزارش حسابرسان (0/1) پروکسی، و ستون (3) و (4) نتایج گزارش زمانی که ICQ توسط ارائه مجدد مالی (0/1) پروکسی. نتایج را در ستون (1) نشان می دهد که نظارت شاخص قدرت، رابطه مثبت و با گزارش حسابرس (0/1)، در سطح 1٪ معنی دار. این به این معنی است که قدرت نظارت کلی شناسه، بهبود می بخشد ICQ، است که پشتیبانی از H1. در ستون (2)، پس زمینه مالی معنادار و مثبت به گزارش حسابرس (0/1) در سطح 10٪. این نتیجه نشان می دهد که پس زمینه مالی شناسه در حفظ و بهبود ICQ مفید هستند. بنابراین، H1-A پشتیبانی می شود. همانطور که برای شناسه، مشوق ها، نتیجه نشان می دهد که احتمال یک شرکت افشای حسابرسان گزارش (گزارش حسابرس (0/1)) است مثبت و معنادار به جبران خسارت شناسه آن (جبران سالانه) مربوط در سطح 1٪ و آن محدودیت شناسه، شهرت (کشتی مدیرعامل) در سطح 10٪. این یافته ها با H1-B1 و B2 H1-هستند، نشان می دهد که انگیزه های قوی تر از شناسه "، بالاتر.







یادداشت: این جدول ارائه آمار توصیفی برای شرکت های نمونه در طول 2006-2010. همه متغیرها در جدول 1 تعریف شده است.



یادداشت: این جدول نتایج رگرسیون لوجیت ارائه شده است. ستون (1) و (2) ارائه نتایج که توسط ICQ گزارش حسابرس (0/1) پروکسی، و ستون (3) و (4) نتایج حاضر که توسط ICQ ارائه مجدد مالی (0/1) پروکسی. متغیرهای کلیدی مستقل شامل نظارت شاخص قدرت، پس زمینه های مالی، جبران سالانه، کارگردانی، قدرت و سعی و کوشش متعادل. -statistics Z در براکت در سمت راست ضرایب مربوط به خود را قرار داده است. خطاهای استاندارد در سطح شرکت قرار گرفتند. ضرایب ثابت، صنعت و سال بسفرس برای اختصار حذف شده است. همه متغیرها در جدول 1 تعریف شده است.

\* اهمیت در سطح 10٪ (دو دم).

\*\* اهمیت در سطح 5٪ (دو دم).

\*\*\* اهمیت در سطح 1٪ (دو دم).

در ICQ است. قدرت تعادل شناسه است مثبت به امکان یک شرکت افشای گزارش حسابرس (گزارش حسابرس (0/1)) مربوط می شود. با این حال، ضریب ناچیز است و نتیجه این کار H1-C را پشتیبانی نمی کند. ضریب سعی و کوشش در سطح 1٪، که نشان میدهد که بیشتر سعی و کوشش، بالاتر از ICQ است قابل توجه و مثبت است. این در نتیجه پشتیبانی H1-D.

نتایج را در ستون (3) نشان می دهد که قدرت نظارت کلی از شناسه (نظارت شاخص قدرت) است معنادار و مثبت مربوط به ارائه مجدد مالی (0/1)، یادآوری میکند که قوی تر قدرت نظارت شناسه، کمتر احتمال است بازگویی مالی و از این رو بالاتر ICQ است. در ستون (4)، جبران سالانه، کشتی مدیرعامل، قدرت متعادل و سعی و کوشش به میزان قابل توجهی مثبت با ICQ همراه است. در کوتاه مدت، نتایج به دست آمده تقریبا همان است که کسانی که برای گزارش حسابرس (0/1).

**6. چک پایداری**

در این بخش، ما انجام استحکام زیر چک برای بررسی حساسیت از نتایج ما.

**6.1 برآورد ابزاری متغیر**

ما آزمون این فرضیه که ICQ تابعی از قدرت نظارت شناسه و دیگر متغیرهای کنترل است. با این حال، نتایج ممکن است با مشکل درونزا است. به عنوان مثال، ICQ ممکن است یک عامل تعیین کننده را تحت تاثیر قرار شناسه قدرت نظارت (لی و همکاران 2012). درون زایی نیز ممکن است از عوامل مشاهده نشده حذف (به عنوان مثال تخصص مدیریت) که ممکن است با هر دو ICQ و قدرت نظارت شناسه: ارتباط بوجود می آیند.

ما انجام برآورد ابزاری متغیر در این بخش. مرکزی به این رویکرد شناسایی حداقل یک ابزار مناسب برای اندازه گیری قدرت نظارت شناسه است. پس از انجام مطالعات قبلی (به عنوان مثال هو و تنگ 2008؛ Bucciol و Miniaci 2011) و با در نظر گرفتن وضعیت عملی در چین، ما عوامل زیر از قدرت نظارت شناسه 'شناسایی علاوه بر متغیرهای کنترل در مدل (1).

محل (0/1) برابر با 1 اگر محل کار شناسه: سازگار با آدرس ثبت شده از شرکت عمومی است، در غیر این صورت 0. اگر محل (0/1) برابر می کند 1، شناسه ممکن است روابط خصوصی نزدیک با مدیران ذکر شده اند شرکت (تنگ، رقیق، و شن 2010) که قدرت نظارت خود را بگذارد. تنگ، رقیق، و شن (2010) دریافتند که شناسه که محل کار سازگار با آدرس ثبت یک شرکت عمومی قدرت نظارت ضعیف تر از دیگر شناسه است و کمتر احتمال دارد به گفتن "نه" در نظرات جداگانه خود را، به امید کاهش احتمال از اخراج شدن.

با این حال، محل (0/1) انتظار نمی رود که به شرایط خطا در رگرسیون ICQ مربوط می شود. اکثر شرکت های عمومی معرفی شناسه برای دیدار با الزامات CSRC (چن و النجار 2012). به عنوان مثال، در می یابیم که 89.11 درصد از A-سهم شرکتهای دولتی در طول 2006-2010 نیاز است که حداقل یک سوم از هیئت مدیره خود را باید مستقل باشد را تامین کند. این نشان می دهد که یک شرکت کند نه تنها یک ID به بهبود ICQ منصوب کند. بنابراین، ICQ به ندرت به عنوان یک عامل تعیین کننده استقلال هیئت مدیره در نظر گرفته. علاوه بر این، از نامزدی شناسه است که عمدتا توسط کنترل- سهامداران لینگ به جای مدیران در چین تصمیم گرفت. آیا اطلاعات در محل کار از یک ID منطبق آدرس ثبت یک شرکت عمومی را تعیین نمی کند که آیا این ID است که توسط یک کنترل سهامداران نامزد شده است. عدم وجود یک ارتباط قوی بین ICQ و محل (0/1) کمک می کند تا به واجد شرایط دومی به عنوان یک متغیر ابزاری برای ICQ. در واقع، ما را در رابطه ما رابطه معنی داری بین محل (0/1) و ICQ هیچ و تجزیه و تحلیل رگرسیون، که در آن ما برای پروکسی برای قدرت نظارت شناسه را کنترل. بنابراین، ما استفاده از محل (0/1) به عنوان متغیر ابزاری است.

**سهام در گردش:** از انجا که سهام در گردش عمدتا توسط سهامداران جزء، از جمله سرمایه گذاران نهادی حفظ میشود، شرکت با نسبت بالاتر سهام در گردش به علت وجود تعارض منافع جدی بین کنترل و سهامداران جزء دارای تقاضای قوی برای قدرت نظارت ID ها است. سهام در گردش به عنوان نسبت تعداد سهام در گردش تقسیم بر تعداد کل سهام تعریف شده است.

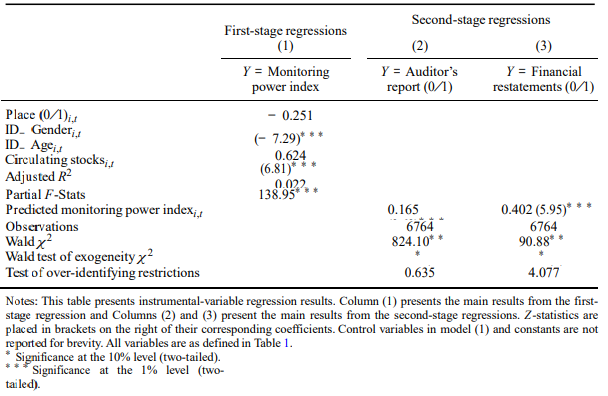
**جنسیت IDها:** متون اقتصادی تجربی و روانشناسی تفاوتهای مرتبط با جنسیت در ریسک گریزی را مستند کرده اند. بعنوان مثال، ساندن و سارته ( 1998) دریافتند که زنان در تخصیص دارایی به حقوق بازنشستگی به میزان قابل توجهی ریسک گریز هستند. جنسیت ID بعنوان نسبت ID های مرد به کل ID اندازه گیری میشود.

**سن ID:** این به سن میانگین IDها اشاره دارد که ممکن است بر تنظیمات ریسک گریزی آنها تاثیر بگذارد. پرندرگاست و استول ( 1996) نظریه هایی را بر اساس ملاحظات شغلی ارائه کرده اند و نشان داده اند که ملاحظات شهرت با سن افزایش می یابند. چندین مطالعه نشان داده اند که ریسک پذیری با سن افراد کاهش می یابد.

در اولین مرحله برآورد متغیر ابزاری، ما قدرت نظارت ID ها را در متغیر ابزاری و متغیرهای کنترل توسط OLS بررسی کردیم. مقدار پیش بینی شده قدرت نظارت ID ها و باقیمانده های مرحله اول سپس در مدل (1) برای جایگزینی ارزش اصلی قدرت نظارت ID ها در مرحله دوم، گنجانیده شدند. ما مجددا مدلها را برآورد کرده و نتایج را در جدول 4 گزارش کردیم.

نتایج حاصل از مدل ابزاری مرحله اول در ستون (1) ارائه شده که نشان میدهد قدرت نظارت ID ها به میزان قابل توجه و بصورت مثبت با سن ID و جنسیت ID و سهام در گردش مرتبط است، اما با مکان ارتباط منفی دارد. آماره F جزئی برای شاخص قدرت نظارت در مدل مرحله اول 138.95 است که به میزان زیادی بیش از 8.96 ، قاعده کلی پیشنهادی توسط استوک، راییت و یوگو ( 2002)، است که نشان میدهد متغیر ابزای مناسب است.

جدول 4: نتایج رگرسیون متغیر ابزاری



ستون (2) و (3) جدول 4 نشان می دهد که نتایج آزمون موفق به رد محدودیت بیش شناسایی برای متغیر های درون زا گزارش حسابرس و ارائه مجدد صورت مالی شد، و از این فرضیه که ابزار برون زا است حمایت میکند. آزمون رسمی بیش شناسایی نشان می دهد که ابزار ما هنگامی که متغیر نظارت ID ها شاخص قدرت نظارت باشد به احتمال زیاد برآوردهای بهتر از مدل احتمال برای گزارش حسابرس و ارائه مجدد صورت مالی ارائه میدهد. ما همچنین آزمون والد برون زایی را برای توجیه استفاده از ivprobit به جای نتایج احتمال انجام دادیم. برای نمونه ما، آزمون والد برون زایی به میزان قابل توجهی برون زایی صورت حسابهای مالی و گزارش حسابرس را برای شاخص قدرت نظارت رد میکند و نشان میدهد که برآورد ivprobit برتر از برآورد احتمال است. این تجزیه و تحلیل نشان می دهد که نتایج ivprobit یک مبنای مناسب تر برای نتیجه گیری استنباطی نسبت به برآوردهای احتمال ارائه میدهد.

با مقایسه نتایج حاصل از جدول 3 و ستون (2) و (3) جدول 4، ما می توانیم ببینیم که برآوردهای ضریب بصورت گسترده مشابه هستند. بنابراین به نظر میرسد که یافته های ما درمورد نقش مثبت قدرت نظارت ID ها در ICQ به میزان زیادی برای براورد متغیر ابزاری قوی است.

**6.2 تست جفت نمونه**

تعداد شرکت های نمونه که ارائه مجدد صورت مالی را انجام میدهند محدود است، که ممکن است بر قابلیت اطمینان نتایج رگرسیون تاثیر بگذارد. برای پرداختن به این موضوع، ما یک آزمایش زوج نمونه انتخاب کردیم. مطابق با تحقیقات قبلی (ابوت، پارکت، و پیترز 2004) ما هر شرکت نمونه که ارائه مجدد صورت مالی را انجام میدهد با یک شرکت کنترل ذکر شده در تبادل مشابه و با حسابرس مشابه ، و ارزش بازاری مشابه سهام و اندازه شرکت ( در 30% از شرکتهای نمونه) در یک سال مطابقت دادیم. ما همچنین شرکتهای کنترل را از صنعت مشابه بر اساس طبقه بندی صنعت CSRC 2001 انتخاب کردیم. درهرصورت ما مطمئن شدیم که هیچ یک از شرکتهای کنترل در طول 2010-2006 صورت مالی خود را منتشر نکرده اند. ستون های 1 و 2 جدول 5 نتایج رگرسیون لاجیت را با استفاده از نمونه زوجهای همتا شبیه به موارد ارائه شده در جدول 3، گزارش میدهند.

**6.3 جایگزینی متغیر وابسته**

پس از انجام مطالعات قبلی ( برای مثالAshbaugh-Skaife, Collins, and Kinney 2007; Doyle, Ge, and McVay 2007; Lin and Rao 2009) ما شاخص ICQ را ایجاد کردیم ( ICQ-1). شواهد نشان میدهند که شرکت هایی که کوچکتر هستند، از لحاظ مالی ناسالم و، از نظر عملیاتی پیچیده هستند ، تحت بازسازی و یا آزاد سازی ارائه مجدد صورت مالی می باشند با ICQ کمتر ارتباط دارد، و شرکت های دارای کمیته حسابرسی، که به سرعت در حال رشد هستند، جوان بوده یا قوانین و مقررات را نقض نمی کنند دارای ICQ بالاتر هستند.

ما شاخص ICQ با استفاده از یک امتیاز بر اساس موارد زیر از عوامل نه گانه ساختیم: پیچیده. با استفاده از ICQ\_I به عنوان متغیر وابسته، ما رگرسیون OLSرا اجرا میکنیم. نتایج، که در ستون (3) و (4) جدول 5 گزارش شده اند، اجمالا شبیه به جدول 3 هستند.

**6.4 جایگزینی متغیر مستقل**

شرکت های بزرگ تمایل بیشتری به استخدام ID ها با شهرت اجتماعی بالاتر دارند و جبران خسارت بالاتری را به انها پرداخت میکنند. با این حال، با توجه به اقتصاد مقیاس، شرکت های بزرگ دارای ICQ بالاتر هستند زیرا آنها هزینه نهایی کمتری را برای ایجاد و حفظ سیستم های کنترل داخلی متحمل میشوند و منابع بیشتری برای پرداخت هزینه های حسابرسی کنترل داخلی و مشاوره دارند. در نتیجه، اثر انگیزه ID ها در ICQ ممکن است تحت تاثیر اندازه شرکت قرار گیرد. باجبران خسارت سالانه و مدیریت توسط اندازه شرکت را تقسیم کرده و مدلهای لوجیت را مجددا اجرا کردیم و نتایج در ستونهای 1 و 2 جدول 6 گزارش شده اند.

ما همچنین از یک روش جایگزین، تحلیل مولفه های اصلی (PCA)، برای ساخت شاخص قدرت نظارت ID ( شاخص قدرت نظارت PCA1 و شاخص قدرت نظارت PCA2) استفاده کردیم.

جدول 5: نتایج اصلی تست های نمونه جفت منطبق و جایگزینی متغیر وابسته

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|  | **تست های نمونه جفت منطبق** | **جایگزینی متغیر وابسته** |  |
|  | **Y= صورتحساب مالی** | **Y = ICQ I** |  |
| شاخص قدرت نظارت |  | | |
| پس زمینه مالی  جبران خسارت سالانه |
| مدیریت |
| نیروی تعادل  سخت کوشی |
| مشاهدات |
| R2 شبه  R2 تعدیل شده |

یادداشت ها: ستون (1) و (2) نتایج اصلی از آزمون نمونه زوجهای همتا را برای ارائه مجدد مالی (0/1) به عنوان معیاری از ICQ، ارائه میدهند و نتایج حاصل از متغیرهای کنترل شرح داده شده در مدل های (1) و (2) برای اختصار حذف شده است. ستون (3) و (4) ارائه نتایج برای ICQ\_I به عنوان معیار سنجش ICQ، و متغیرهای کنترل جدول بندی نشده شامل همه متغیرهای کنترل مورد استفاده در مدل (1) به جز برای اندازه شرکت، سن شرکت، روز حسابرسی، رشد، چهار کمیته (0/1) و تحریم (0/1) است. براکت در سمت راست از ضرایب آمار Z در ستون ها (1) و (2)، و آمار T در ستون (3) و (4)، به ترتیب می باشد. خطاهای استاندارد در سطح شرکت قرار گرفتند. همه متغیرها در جدول 1 تعریف شده است.

\* اهمیت در سطح 10٪ (دو دنباله ای)

\*\* اهمیت در سطح 5٪ (دو دنباله ای)

\*\*\* اهمیت در سطح 1٪ (دو دنباله ای)

جدول 6. نتایج اصلی رگرسیون با متغیر مستقل جایگزین

یادداشت ها: نتایج حاصل از متغیرهای کنترل در مدل های (1) و (2) ارائه شده و ثابتها برای اختصار حذف شده اند. آماره Z در براکت سمت راست ضرایب مربوطه آنها قرار گرفته است. خطاهای استاندارد در سطح شرکت قرار گرفتند.

|  |  |
| --- | --- |
|  | Y= گزارش حسابرسی |
|  |  |
| شاخص قدرت نظارت |
| پس زمینه مالی |
| جبران خسارت سالانه/ اندازه شرکت |
| مدیریت/ اندازه شرکت |
| نیروی تعادل |
| سخت کوشی |
| شاخص قدرت نظارت- PCA-1 |
| شاخص قدرت نظارت- PCA-2 |
| مشاهدات |
| شبه R2 |

\* اهمیت در سطح 10٪ (دو دنباله ای)

\*\* اهمیت در سطح 5٪ (دو دنباله ای)

\*\*\* اهمیت در سطح 1٪ (دو دنباله ای)

شامل پنج پروکسی برای قدرت نظارت ID ها (پس زمینه های مالی، جبران سالانه، مدیریت، قدرت تعادل و تلاش ) به عنوان متغیرهای اصلی، آنها را استاندارد کرده و سپسیک PCA انجام شده است. ما عامل اول و دوم را حفظ کرده ایم که 23.15% ( 20.61%) از پنج متغیر نظارت ID را توضیح ادده و از آن برای پروکسی برای شاخص قدرت نظارت PCA1(شاخص قدرت نظارت PCA2) استفاده میکند. نتایج اصلی، که در ستون های (3) و (4) جدول 6 گزارش شده اند، شبیه به موراد گزارش شده در جدول 3 هستند.

**7. نتایج و الزامات**

تنظیم کننده های چین به طور جدی سرعت ساخت و ساز مکانیزم های کنترل داخلی را افزایش میدهند. به عنوان عنصر محیط کنترلی حاکمیت شرکتی دارای اثر مستقیم بر ICQ است. از منظر ویژگی های ID، ما یک چارچوب نظری قدرت نظارت ID ها، از جمله تخصص و یا شایستگی متخصص ، انگیزه، قدرت حفظ تعادل و تلاش را ارائه کرده ایم. با استفاده از داده های شرکت سهام A طی 2006-2010، ما شواهد تجربی مبنی بر اینکه که قدرت نظارت ID ها ICQ اندازه گیری شده توسط افشای داوطلبانه حسابرسان در گزارش کنترل داخلی و ارائه مجدد مالی را بهبود می بخشد فراهم کردیم. این نشان می دهد که یک مکانیسم مهم برای افزایش ICQ تقویت قدرت نظارت بر ID ها است، به ویژه در شرکت هایی که در آن ID ها دارای قدرت نظارتی ضعیف هستند.

ما همچنین دریافتیم که چهار بعد مورد استفاده برای ساخت شاخص قدرت نظارت ID بصورت معنادار و مثبت با هم و یا (در اکثر موارد) هر دو اقدامات ICQ مرتبط هستند. این که برخی از پروکسی های قدرت نظارت ID ها، به میزان قابل توجهی با ICQ همراه نیستند لزوما به این معنی نیست که آنها مشارکتی ندارند، زیرا آنها با دیگر پروکسی ها تداخل می کنند. ا این حال، به حدی که این یافته های تجربی قابل اعتماد هستند، آنها برخی از روش های خاص برای تقویت نقش ID ها در بهبود ICQ را مشخص میکنند. پس زمینه مالی ID ها بصورت معنادار و مثبت به ICQ مربوط هستند هر چند نتایج زمانی که نمونه زوجهای همتا و ICQ\_I استفاده می شود بی اهمیت میشوند. این نتیجه تا حدی از الزامات نظارتی که اعضای هیئت مدیره خاص و به خصوص اعضای کمیته حسابرسی باید کارشناسان مالی باشند، حمایت میکنند.

علاوه بر این، در می یابیم که پرداخت غرامت مالی مناسب می تواند انگیزه ID ها را به نقش نظارت بهتر افزایش دهد. مفهوم سیاست آن است که تنظیم کنندگان اوراق بهادار و شرکت های عمومی چینی باید پرداخت غرامت مالی به ID های کم درآمد را افزایش دهند. در همین حال، فاما و جنسن (1983) استدلال می کنند که سطح بالایی از قدرت نظارت از انگیزه ID ها برای حفاظت از شهرت خود در خارج بازار کار ناشی میشود. با این حال، چین هنوز یک بازار کار ID به خوبی توسعه یافته ایجاد نکرده است. این شاید علت ریشه ای اثر ناچیز شهرت ID ها در ICQ در آزمون نمونه زوجهای همتا در جدول 5 باشد. بنابراین، تلاش زیادی باید در جهت تقویت بازار کار ID و بهبود مقررات مربوطه انجام شود به طوری که محدودیت های اعتبار بتوانند نقش مؤثری بازی کنند.

نسبت ID ها دارای اثر معنی دار و منفی در بروز ارائه مجدد مالی است، اما در افشای داوطلبانه گزارش حسابرسان در مورد کنترل داخلی چنین نیست. نتایج نشان می دهد که قدرت حفظ تعادل ID ها 'زمانی که ضعف کنترل داخلی مواد وجود داشته باشد نقش مهمی ایفا می کند. یافته های ما شبیه به یافته های یه همکاران می باشد (2011) که ID ها زمانی که شرکت آنها خوب کار نکند به احتمال زیاد در برابر طرح مدیریت رای میدهند. نتایج نشان می دهد که شرکت ها می توانند حاکمیت شرکتی خود را با اضافه کردن ID های بیشتر به هیئت مدیره خود بهبود بخشیده و ID ها را به ایفای نقش های فعال تر در اداره امور شرکت تشویق کنند.

در نهایت، نتایج ما نشان می دهد که سعی و کوشش بالاتر ID ها، یعنی ICQ بالاتر. از آنجا که مشاهده رفتار کنترل تصمیم ID ها دشوار است، تحقیقات مربوطه بسیار محدودی وجود دارد. این مطالعه شواهد تجربی مبنی بر نقش مثبت آگاهی افراد در بهبود ICQ با مشاهده اینکه آیا شخصاً ID ها در جلسات هیئت مدیره شرکت می کند ، ارائه می دهد. نتایج حاکی از آن است که مشارکت ID ها در فرایند تصمیم گیری باعث بهبود ICQ می شود.

**تقدیر**

نویسندگان از حمایت مالی علوم انسانی و طرح های پژوهشی علوم اجتماعی وزارت آموزش و پرورش چین قدردانی می کنند (اعطای شماره ی 12YJA790193, 11YJC630270)): و بنیاد ملی علوم طبیعی چین (اعطای شماره ی: 71272189، 70940025). نویسندگان همچنین از پیشنهادات مفید دو نظر، قدردانی می کنند.

**References**

Abbott, L. J., S. Parker, and G. F. Peters. 2004. “Audit Committee Characteristics and Restatements.” Auditing: A Journal of Practice & Theory 23 (1): 69–87.

Ashbaugh-Skaife, H., D. W. Collins, and W. R. Kinney Jr. 2007. “The Discovery and Reporting of Internal Control Deficiencies Prior to SOX-Mandated Audits.” Journal of Accounting and Economics 44 (1/2): 166–192.

Ashbaugh-Skaife, H., D. W. Collins, W. R. Kinney Jr., and R. LaFond. 2008. “The Effect of SOX Internal Control Deficiencies and Their Remediation on Accrual Quality.” The Accounting Review 83 (1): 217–250.

Beasley, M. S. 1996. “An Empirical Analysis of the Relation Between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud.” The Accounting Review 71 (4): 443–465.

Bhagat, S., and H. Tookes. 2012. “Voluntary and Mandatory Skin in the Game: Understanding Outside Directors’ Stock Holdings.” The European Journal of Finance 18 (3–4): 191–207.

Blue Ribbon Committee. 1999. “Report and Recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectives of Corporate Audit Committees.” The Business Lawyer 54 (3): 1067–1095.

Bo, H., T. Tao, andY. M. Sun. 2013. “BoardAttributes and Herding in Corporate Investment: Evidence from Chinese-Listed Firms.” The European Journal of Finance. <http://dx.doi.org/10.1080/1351847X.2013.788536>

Bronson, S. N., J. V. Carcello, and K. Raghunanhan. 2006. “Firm Characteristics and Voluntary Management Reports on Internal Control.” Auditing: A Journal of Practice & Theory 25 (2): 25–39.

Bucciol, A., and R. Miniaci. 2011. “Household Portfolios and Implicit Risk Preference.” The Review of Economics and Statistics 93 (4): 1235–1250.

Carcello, J., D. Hermanson, T. Neal, and R. A. Riley. 2002. “Board Characteristics and Audit Fees.” Contemporary Accounting Research 19 (3): 365–384.

Chan, P., M. Ezzamel, and D. G. William. 1993. “Determinants of Audit Fees for Quoted Companies.” Journal of Business and Accounting 20 (6): 756–786.

Chen, H., and B. Al-Najjar. 2012. “The Determinants of Board Size and Independence: Evidence from China.” International Business Review 21 (5): 831–846.

Chen, H., Y. Hu, and Z. Xiao. 2010. “Corporate Accounting Scandals in China.” In Creative Accounting, Fraud, and International Accounting Scandals, edited by M. Jones, 134–167. Chichester: Wiley.

Chen, Y., R. Knechel, V. B. Marisetty, C. Truong, and M. Veeraraghavan. 2011. Internal Control Weakness and Board Independence: Evidence from SOX 404 Disclosures. Working Paper. <http://ssrn.com/abstract=1914150>

DeFond, M. L., R. N. Rebecca, and X. Hu. 2005. “Does the Market Value Financial Expertise on Audit Committees of Boards of Directors?” Journal of Accounting Research 43 (2): 153–193.

Doyle, J. T., W. Ge, and S. E. McVay. 2007. “Determinants of Weaknesses in Internal Control over Financial Reporting.” Journal of Accounting and Economics 44 (1–2): 193–223.

Fama, E. F., and M. C. Jensen. 1983. “Separation of Ownership and Control.” Journal of Law and Economic 26 (2): 301–325.

Fang, H., J. Shi, and G. Zhang. 2013. “Ownership Type, Information Quality and Initial Pricing of Corporate Bonds: Empirical Evidence from China’s Capital Market.” Journal of Finance Research, no. 4: 170–182 (in Chinese). Fang, H., H. Sun, andY. Jin. 2009. “The Corporate Characteristics, External Auditing, and Voluntary Disclosure of Internal Control Information: Evidence from China.” Accounting Research, no. 10: 44–52 (in Chinese).

Francis, J., R. LaFond, and P. M. Olsson. 2004. “Costs of Equity and Earnings Attributes.” The Accounting Review 79 (4): 967–1010.

Goh, B. W. 2009. “Audit Committees, Boards of Directors, and Remediation of Material Weaknesses in Internal Control.” Contemporary Accounting Research 26 (2): 549–579.

Guest, P. M. 2009. “The Impact of Board Size on Firm Performance: Evidence from the UK.” The European Journal of Finance 15 (4): 385–404.

Hoitash, U., R. Hoitash, and J. C. Bedard. 2009. “Corporate Governance and Internal Control over Financial Reporting: A Comparison of Regulatory Regimes.” The Accounting Review 84 (3): 839–867.

Hu,Y., and S. Tang. 2008. “Independence Directors and Earnings Information Quality of Listed Companies.” Management World, no. 9: 150–160 (in Chinese).

Jensen, M. C. 1993. “The Modern Industrial Revolution, Exit, and the Failure of Internal Control Systems.” Journal of Finance 48 (3): 831–880.

Johnstone, K., C. Li, and K. H. Purley. 2011. “Changes in Corporate Governance Associated with the Revelation of Internal Control Material Weaknesses and Their Subsequent Remediation.” Contemporary Accounting Research 28 (1): 331–383.

Kennedy, P. 1998. A Guide to Econometrics. 4th ed. Oxford: Blackwell Publishing.

Krishnan, J. 2005. “Audit Committee Quality and Internal Control: An Empirical Analysis.” The Accounting Review 80 (2): 649–675.

Krishnan, G. V., and G. Visvanathan. 2007. “Reporting Internal Control Deficiencies in the Post-Sarbanes–Oxley Era: The Role of Auditors and Corporate Governance.” International Journal of Auditing 11 (2): 73–90.

Li, P. L., S. Parsa, G. L.Tang, and Z. Z. Xiao. 2012. “Is There an Expectations Gap in the Roles of Independent Directors? An Explorative Study of Listed Chinese Companies.” British Journal of Management 23 (2): 206–222.

Liang, Q., P. Xu, and P. Jiraporn. 2013. “Board Characteristics and Chinese Bank Performance.” Journal of Banking and Finance 37 (8): 2953–2968.

Lin, B., and J. Rao. 2009. “Why Do Public Firms Voluntarily DiscloseAuditors’Reports on Internal Control?An Empirical Study Based on Signal Theory.” Accounting Research, no. 2: 45–52 (in Chinese).

Liu, Q., and Z. Lu. 2004. Earnings Management to Tunnel: Evidence from China’s Listed Companies. Working Paper. School of Economics and Finance, University of Hong Kong.

Mallin, C., and K. Ow-Yong. 2012. “Factors Influencing Corporate Governance Disclosures: Evidence from Alternative Investment Market (AIM) Companies in the UK.” The European Journal of Finance 18 (6): 515–533.

Miwa,Y., and J. M. Ramseyer. 2000. “Corporate Governance in Transitional Economies: Lessons from the Prewar Japanese Cotton Textile Industry.” Journal of Legal Studies 29 (1): 171–203.

Muramiya, K., and T. Takada. 2010. Reporting of Internal Control Deficiencies, Restatements, and Management Forecasts. Kobe University Working Paper.

Owusu-Ansah, S., and G. Ganguli. 2010. “Voluntary Reporting on Internal Control Systems and Governance Characteristics: An Analysis of Large U.S. Firms.” Journal of Managerial Issues 22 (3): 383–408.

Plumlee, M., and T. L. Yohn. 2010. “An Analysis of the Underlying Causes Attributed to Restatements.” Accounting Horizons 24 (1): 41–64.

Prendergast, C., and L. Stole. 1996. “ImpetuousYoungsters and Jaded Old-Timers: Acquiring a Reputation for Learning.” Journal of Political Economy 104 (6): 1105–1134.

Raheja, C. G. 2005. “Determinants of Board Size and Composition: A Theory of Corporate Boards.” Journal of Financial and Quantitative Analysis 40 (2): 283–306.

Ross, S. A. 1977. “The Determination of Financial Structure: The Incentive-Signalling Approach.” The Bell Journal of Economics 8 (1): 23–40.

Sawicki, J. 2009. “Corporate Governance and Dividend Policy in Southeast Asia Pre- and Post-crisis.” The European Journal of Finance 15 (2): 211–230.

Song, Y., X. Ji, and C. Lee. 2013. “Ownership Balance, Supervisory Efficiency of ID and the Quality of Management Forecasts.” China Journal of Accounting Research 6 (2): 113–132.

Stock, J. H., J. H. Wright and M. Yogo. 2002. “A Survey of Weak Instruments and Weak Identification in Generalized Method of Moments.” Journal of Business and Economics Statistics 22 (4): 518–529.

Sunden, A., and B. J. Surette. 1998. “Gender Differences in Allocation of Assets in Retirement Savings Plans.” The American Economics Review 88 (2): 207–211.

Tang, X. S., J. Du, and Q. C. Hou. 2013. “The Effectiveness of the Mandatory Disclosure of Independence Directors’ Opinions: Empirical Evidence from China.” Journal of Accounting and Public Policy 32 (3): 89–125.

Tang, X., J. Du, and H. Shen. 2010. “The Incentives of Independent Directors’ Supervision: An Empirical Study Based on Independent Opinions.” Management World, no. 9: 138–149 (in Chinese).

Vafeas, N. 1999. “Board Meeting Frequency and Firm Performance.” Journal of Financial Economics 53 (1): 113–142.

Wang, H. 2011. “Identifying Internal Control Weaknesses: The Current Situation, the Difficulties and Basic Structure Reestablished.” Accounting Research, no. 8: 61–67 (in Chinese).

Wu, Z. Y., Y. S. Li, S. J. Ding, and C. X. Jia. 2013. “A Separate Monitoring Organ and Disclosure of Firm-Specific Information.” The European Journal of Finance. <http://dx.doi.org/10.1080/1351847X.2012.762410>

Xiao, Z., J. Dahya, and Z. Lin. 2004. “A Grounded Theory Exposition of the Role of the Supervisory Board in China.” British Journal of Management 15 (1): 39–55.

Ye, K., J. Zhu, Z. Lu, and R. Zhang. 2011. “The Independence of Independent Directors: Based on Voting of Boards of Directors.” Journal of Economic Research 46 (1): 126–139 (in Chinese).

Zhang, Y., J. Zhou, and N. Zhou. 2007. “Audit Committee Quality, Auditor Independence and Internal Control Weaknesses.” Journal of Accounting and Public Policy 26 (3): 300–327.